



اهانت به مقدسات؛ نشانه عجز و خشم و چاره‌ای برای تشفی دردهای روانی دشمن

استهزاء و اهانت به مقدسات از سویی حاکی از تجدید حیات اسلام اصیل و از سوی دیگر از باب تشفی روانی دردهای دشمن و نشانگر عجز و خشم اوست که دیگر منطق، استدلال و حرفی برای مبارزه علمی ندارد.

استهزاء و اهانت به مقدسات از سویی حاکی از تجدید حیات اسلام اصیل و از سوی دیگر از باب تشفی روانی دردهای دشمن و نشانگر عجز و خشم اوست که دیگر منطق، استدلال و حرفی برای مبارزه علمی ندارد.

حجت‌الاسلام و المسلمین مهدی رستم‌نژاد، عضو هیئت علمی جامعةالمصطفی(ص) العالمية، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، به ارائه نکاتی درباره مواجهه قرآن با موهنان و استهزاء کنندگان مقدسات دینی پرداخت و اظهار کرد: قرآن می‌فرماید: **وَيَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَاثُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ**؛ دروغا بر این بندگان هیچ فرستاده‌ای بر آنان نیامد، مگر آنکه او را ریشخند می‌کردند» (یس/30)؛ این سخن قرآن بدان معناست که هر وقت معارف و مفاهیمی که پیغمبران(ع) می‌آورند، در میان بندگان کسانی هستند که از حربه استهزاء در مقابل پیامبران(ع) استفاده می‌کنند.

وی افزود: از این آیه قرآن استفاده می‌شود که هر جا معارف دین برسد، عده‌ای در مقابل آن جبهه خواهند گرفت. حقیقت قصه آن است که دشمنان امروز ما در شرق و غرب، با دینی که نسبت به دنیاگرایان و سلطه‌گران خنثی و بی‌تفاوت نباشد، با چنین دینی تازه آشنا شده‌اند؛ هم‌چنان که یکی از تحلیل‌گران غربی می‌گوید که بعد از انقلاب اسلامی، غرب ناگهان اسلام را شناخت.

مؤلف کتاب **وَيَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ**؛ جلوه‌های پیام الهی در قرآن» تصریح کرد: مراد از اسلام همان اسلامی است که فوکویاما درباره آن می‌گوید که تنها ایدئولوژیی که در مقابل ما (فرهنگ غرب) می‌تواند بایستد، اسلام جهادی و اصیل با قرائت امام خمینی(ره) است. بنابراین مهم‌ترین علت تحرکات استهزاء کنندگان پیامبر(ص) و مقدسات اسلامی بر اساس آیه قرآن (یس/30) و آیات مشابه، این است که آنان اسلام را تازه شناخته‌اند.

در روایتی از امیرالمؤمنین(ع) آمده است که: **وَيَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ**؛ الغیبة جهد العاجز؛ غیبت کردن، آخرین تلاش انسان ناتوان است؛ در اینجا نیز کسی که جرأت روبه‌روی ندارد، تن به استهزاء می‌دهد و معنای این مطلب آن است که این‌گونه افراد منطق، استدلال و حرفی برای مبارزه علمی و در حضور ندارند.

این محقق و پژوهشگر تصریح کرد: این اسلام متفاوت از اسلام خنثایی است که تنها اسم اسلام را داشت و آنان قرن‌ها با آن آشنا بودند؛ این اسلام، اسلامی است که واقعاً حرف جدید و حرکت، حیات و نشاط جدید دارد و باز بنا بر آیات متعدد قرآن، دو دسته در مقابل این حرکت جبهه می‌گیرند: یک دسته حاکمان و مدیران سیاسی و به اصطلاح قرآنی طواغیت بودند و گروه دیگر مدیران فرهنگی و علمی یعنی دانشمندان بودند.

وی خاطرنشان کرد: در مقابل حضرت موسی(ع) هم فرعون (طاغی روزگار) و هم سحره (کاهنان و دانشمندان آن روزگار) هستند. این دو دسته یعنی صاحبان قدرت و زور و صاحبان اندیشه و فکر، کسانی هستند که در مقابل پیامبران می‌ایستند و معمولاً قرآن از اینها گاهی به **وَيَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ**؛ مثلاً یا طبقه مستکبران تعبیر می‌کند؛ بنابراین این مطلب از نگاه ما نکته جدیدی نیست؛ فقط چیزی که هست، آن است که اینها تازه این را فهمیده‌اند.

حجت‌الاسلام رستم‌نژاد با تشریح دلایل جبهه‌گیری این گروه‌ها در مقابل پیامبران(ع) گفت: نخستین دلیل در تعارض بودن این معارف با سلطه‌گری است؛ دوم در تعارض بودن این معارف با منافع دنیوی و حیات مادی آنهاست. به هر حال بازار دوره صدر اسلام در مقابل پیامبر(ص) ایستاد؛ کما این‌که سلطه‌گران آن دوره هم در مقابل ایشان ایستادند و ماجرای امروز، همان اتفاق است که تکرار می‌شود.

عضو هیئت علمی جامعةالمصطفی(ص) العالمية عنوان کرد: تحلیل نهایی بنده آن است که سه چیز می‌تواند مسئله باشد: نخست آن‌که این اتفاق حاکی از آن است که اسلام در حال زنده شدن و تجدید حیات است و آنها هیچ رغبتی برای مقابله و مبارزه با اسلام مرده و بی‌آزار و خنثی ندارند. مسئله دیگر آن است که این حرکات از باب تشفی روانی است و این نیز نکته‌ای قرآنی و روانشناختی است.

وی عنوان کرد: در روایتی از امیرالمؤمنین(ع) آمده است که: **وَيَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ**؛ الغیبة جهد العاجز؛ غیبت کردن، آخرین تلاش انسان ناتوان است؛ در اینجا نیز کسی که جرأت روبه‌روی ندارد، تن به استهزاء می‌دهد و معنای این مطلب آن است که این‌گونه افراد منطق،

استدلال و حرفی برای مبارزه علمی و در حضور ندارند. انسانی که خود را عاجز ببیند، از لحاظ روانی منفجر می‌شود و بالاخره باید تخلیه‌ای برای تشفی درد خود صورت دهد و این يك نکته مهم روانی است.

نویسنده کتاب «تکرارپذیری حادثه عاشورا» در تشریح این مطلب اظهار کرد: دردی که اینها احساس می‌کنند، نیاز به تشفی دارد و تشفی آن همین فحاشی، جسارت و اهانت است و اتفاقاً در یکی از آیات قرآن بر این نکته روانی تصریح شده و آمده است: «وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَثَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُؤْتُوا بَعِيْظَكُمْ...» و چون [با هم] خلوت کنند از شدت خشم بر شما سر انگشتان خود را می‌گزند؛ بگو به خشم خود بمیرید ...» (آل عمران/119).

وی اضافه کرد: نکته سوم آن است که این مسئله می‌تواند يك انگیزه داخلی نیز داشته باشد و آن مشغول کردن ذهن داخلی‌هاست، برای این‌که معطوف به مشکلات خود نباشند؛ به تعبیر دیگر این اقدام نوعی سرپوش گذاشتن بر مشکلات داخلی است و اینان ذهن مشتری‌های داخلی خود را به نوعی معطوف به خارج می‌کنند که ببینید ما چقدر دشمن و مخالف داریم که پرچم‌های ما را آتش می‌زنند و

حجت‌الاسلام رستم‌نژاد با تشریح این مطلب گفت: این نیز حربه‌ای است و از دیرباز تاکنون، در طول تاریخ اسلام و نیز ادیان گذشته با چنین حربه‌هایی مواجه بوده و آشنا هستیم. اینها برای آنکه دوستان خود را به نوعی راضی کنند، یا بر مشکلات خود به طور موقتی راه درمان و تسکینی بیابند و مردم را وادار به فراموشی این مشکلات به طور موقت بکنند، به چنین اقداماتی دست می‌زنند و مستکبران نیاز به چنین حربه‌هایی دارند.

عضو هیئت علمی جامعه‌المصطفی(ص)العالمیة در بخش دیگری از سخنان خود عنوان کرد: علاوه بر این دلایل قرآنی انگیزه‌های دیگری نیز پشت این قصه می‌تواند باشد و آنچه که ما از قرآن آموختیم این است که «...وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضْرِبْكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا...» و اگر صبر کنید و پرهیزگاری پیشه کنید نیرنگشان هیچ زبانی به شما نمی‌رساند» (آل عمران/120) و اینها با این کارشان نمی‌توانند کسی را منصرف کنند.

وی در پایان سخنان خود گفت: امروز تمام فرقه‌های اسلامی با تمام اختلافات و مرزبندی‌هایی که در درون خود دارند، همه در يك مرز و در يك صف و در نظام ایستاده‌اند و پشتیبانی می‌کنند و همه اینها در نهایت به ضرر و خسارت دشمنان خواهد بود و اتفاقاً قرآن نیز به این نکته مهم اشاره کرده که این دست و پا زدن‌های مذبوحانه به ضرر خود دشمن تمام خواهد شد.